فصلنامه علمی تخصصی مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری
سال هشتم، شماره۵ (پیاپی: ۳۵)، زمستان ۱۴۰۴
ISSN: 2645-4424

بررسی تأثیر پروژه‌های زیباسازی شهری بر رضایت‌مندی شهروندان (نمونه موردی: نقاشی دیواری، مبلمان شهری و نورپردازی شهر دیواندره)

فرزاد شیری [۱]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۷
کد مقاله: ۸۹۲۳۰

چکـیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر پروژه‌های زیباسازی شهری شامل نقاشی دیواری، مبلمان شهری و نورپردازی بر سطح رضایت‌مندی شهروندان شهر دیواندره انجام شده است. در این مطالعه تلاش گردید ضمن سنجش وضعیت موجود این عناصر زیباسازی از دیدگاه ساکنان، رابطه آن‌ها با رضایت‌مندی کلی شهروندان از محیط زندگی‌شان تحلیل شود. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی ـ تحلیلی است. جامعه آماری تحقیق کلیه شهروندان دیواندره بودند که بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۸۰ نفر به‌عنوان نمونه به‌روش تصادفی ساده انتخاب شدند. داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته گردآوری گردید که روایی آن با بهره‌گیری از نظر متخصصان و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰.۸۷) تأیید شد. نتایج آمار توصیفی نشان داد که اکثریت پاسخ‌دهندگان وضعیت نقاشی دیواری، مبلمان و به‌ویژه نورپردازی را در حد متوسط یا ضعیف ارزیابی کرده‌اند. یافته‌های آزمون همبستگی پیرسون بیانگر وجود رابطه مثبت و معنادار بین کیفیت این شاخص‌های زیباسازی و رضایت‌مندی شهروندان بود، به‌گونه‌ای که نورپردازی بیشترین همبستگی ($r\approx0.42$) با رضایت‌مندی کلی داشت. همچنین آزمون ANOVA نشان داد که بین گروه‌های سنی مختلف در ارزیابی کیفیت این پروژه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد و میانسالان و سالمندان بیشترین نارضایتی را به‌ویژه از نورپردازی و مبلمان شهری ابراز داشته‌اند. در مجموع نتایج تحقیق بر این نکته تأکید دارد که زیباسازی شهری صرفاً اقدامی ظاهری نبوده بلکه می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر در ارتقای کیفیت زندگی و افزایش رضایت‌مندی شهروندان عمل کند. بر این اساس، برنامه‌ریزی برای توسعه پروژه‌های زیباسازی در دیواندره باید با رویکردی جامع، متناسب با هویت بومی، متکی بر مشارکت شهروندان و همراه با نظام نگهداری پایدار پیگیری شود تا رضایت‌مندی ساکنان در سطح بالاتری تأمین گردد.

واژگـان کلـیدی: زیباسازی شهری، رضایتمندی شهروندان، شهرداری، دیواندره.

۱ - کارشناس معماری، شهرداری دیواندره.

۱- مقدمه

امروزه شهرها به‌عنوان مهم‌ترین کانون‌های زیست انسانی، تحت تأثیر فرآیندهای پرشتاب مدرن‌سازی و گسترش کالبدی، با چالش‌های متعددی در حوزه کیفیت محیط شهری مواجه هستند. در این میان، زیباسازی شهری به‌عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی ارتقای کیفیت فضاهای عمومی، اهمیت روزافزونی یافته است و به‌عنوان مؤلفه‌ای مؤثر در شکل‌دهی به تجربه زیسته شهروندان، جایگاه ویژه‌ای در رویکردهای معاصر برنامه‌ریزی و مدیریت شهری پیدا کرده است (شاهرخی فر و همکاران، ۱۴۰۱).زیباسازی شهری مفهومی فراتر از آراستن فیزیکی شهر محسوب می‌شود و امروزه در ادبیات شهرسازی به‌عنوان فرآیندی چندوجهی در نظر گرفته می‌شود که علاوه بر بهبود منظر بصری، می‌تواند به ارتقای حس تعلق به مکان، بهبود کیفیت زندگی و حتی افزایش نشاط و سلامت روانی شهروندان منجر شود (نصیری، ۱۳۹۹). اقدامات مرتبط با زیباسازی شهری همچون اجرای نقاشی‌های دیواری، استقرار مبلمان شهری متناسب با هویت بومی و طراحی نورپردازی در میادین و خیابان‌ها، ضمن ایجاد چشم‌اندازی جذاب برای ساکنان و بازدیدکنندگان، می‌تواند نوعی پویایی اجتماعی و احساس امنیت روانی در فضاهای شهری به‌وجود آورد (گلپاشا، ۱۳۹۴).بر اساس مطالعات متعدد داخلی، کیفیت محیط شهری و عناصر زیباسازی آن، رابطه مستقیم و معناداری با سطح رضایت‌مندی شهروندان از محل سکونت و محیط زندگی‌شان دارد. نتایج تحقیق فاطمی (۱۳۹۸) در کلان‌شهرهای ایران نشان می‌دهد که هرچه شاخص‌های زیباسازی و هویت‌بخشی محیط‌های شهری قوی‌تر باشد، میزان رضایت‌مندی ساکنان نیز به‌طور محسوسی افزایش می‌یابد. از طرف دیگر، فقدان هماهنگی‌های بصری و کمبود توجه به طراحی زیبای فضاهای عمومی می‌تواند زمینه‌ساز کاهش کیفیت تعاملات اجتماعی، شکل‌گیری فضاهای مرده شهری و حتی تشدید حس بیگانگی و بی‌هویتی در میان ساکنان شود (شاهرخی فر و همکاران، ۱۴۰۱).شهر دیواندره به‌عنوان یکی از شهرهای مهم استان کردستان که دارای بافت اجتماعی پویا و فرهنگ محلی غنی است، در سال‌های اخیر اقداماتی را در زمینه زیباسازی محیط شهری انجام داده که از جمله آن‌ها می‌توان به اجرای نقاشی‌های دیواری با مضامین بومی و فرهنگی، نصب مبلمان شهری جدید و طراحی نورپردازی معابر اصلی اشاره کرد. با این حال، تاکنون پژوهشی علمی و نظام‌مند که به ارزیابی تأثیر این اقدامات بر سطح رضایت‌مندی شهروندان دیواندره بپردازد، صورت نگرفته است. در حالی که شناخت میزان اثربخشی این پروژه‌ها می‌تواند نقش مؤثری در اصلاح سیاست‌ها و اولویت‌بندی برنامه‌های زیباسازی شهرداری در آینده ایفا کند (گلپاشا، ۱۳۹۴).

از این‌رو، مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر پروژه‌های زیباسازی شهری (شامل نقاشی دیواری، مبلمان شهری و نورپردازی) بر رضایت‌مندی شهروندان شهر دیواندره انجام می‌شود. پرسش کلیدی این پژوهش آن است که:

این پروژه‌های زیباسازی تا چه حد توانسته‌اند انتظارات و نیازهای زیبایی‌شناختی شهروندان دیواندره را برآورده سازند و چه میزان در ارتقای حس رضایت آن‌ها از محیط زندگی شهری مؤثر بوده‌اند؟پرداختن به این موضوع علاوه بر تکمیل ادبیات نظری حوزه کیفیت محیط شهری و مدیریت زیباسازی، می‌تواند به شهرداری دیواندره و سایر شهرهای مشابه کمک کند تا با شناسایی نقاط قوت و کاستی‌های این پروژه‌ها، سیاست‌گذاری‌های خود را در راستای ارتقای هرچه بیشتر سطح رضایت‌مندی شهروندان و بهبود تصویر ذهنی آنان از شهر خود سامان دهند.

۲- مفاهیم و تعاریف زیباسازی شهری

زیباسازی شهری از جمله مفاهیم کلیدی در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری به شمار می‌آید که طی دهه‌های اخیر توجه قابل ملاحظه‌ای را به خود جلب کرده است. زیباسازی در اصل به معنای ارتقای کیفیت بصری و محیطی فضاهای شهری است، اما در ادبیات نوین شهرسازی، این مفهوم فراتر از صرف تزئینات سطحی یا افزودن عناصر زینتی به کالبد شهر درک می‌شود و بیشتر به‌عنوان یک فرآیند چندبعدی که ابعاد کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و حتی روان‌شناختی را دربرمی‌گیرد، مورد توجه قرار گرفته است (شاهرخی فر و همکاران، ۱۴۰۱). در حقیقت زیباسازی شهری نه‌تنها در ظاهر محیط فیزیکی شهرها جلوه می‌کند، بلکه به شکل مستقیم و غیرمستقیم بر احساسات، ادراکات و رضایت‌مندی شهروندان از محیط زندگی‌شان اثرگذار است. به همین دلیل نصیری (۱۳۹۹) تأکید می‌کند که زیباسازی شهری باید به‌مثابه تلاشی برای ایجاد نوعی هماهنگی میان انسان، فضا و فرهنگ دیده شود تا بتواند علاوه بر پاسخ به نیازهای زیبایی‌شناختی افراد، هویت فضاهای شهری را تقویت کرده و حس تعلق شهروندان به محیط سکونت خود را افزایش دهد.

در این میان، اقدامات شهرداری‌ها و مدیران شهری در حوزه زیباسازی غالباً شامل طراحی و نصب مبلمان شهری متناسب با اقلیم و هویت محلی، اجرای نقاشی‌های دیواری و دیوارنگاره‌های فرهنگی و بومی، نورپردازی خلاقانه میادین و معابر اصلی، بهسازی نماهای شهری و ساماندهی جداره‌ها، همچنین توجه به نصب نمادهای هنری و مجسمه‌های شهری است. چنین اقداماتی اگر به‌صورت جامع، متوازن و با مشارکت فعال مردم برنامه‌ریزی و اجرا شود، می‌تواند علاوه بر ارتقای کیفیت بصری شهر، زمینه‌ساز افزایش سرمایه اجتماعی، ارتقای روابط محلی و حتی بهبود سلامت روانی شهروندان گردد (گلپاشا، ۱۳۹۴).

از سوی دیگر، پژوهش فاطمی (۱۳۹۸) در بررسی تطبیقی الگوهای زیباسازی در برخی کلان‌شهرهای ایران نشان داده است که زیباسازی صرفاً نباید به‌عنوان پروژه‌هایی مقطعی یا تنها برای رفع نازیبایی‌های کالبدی در نظر گرفته شود، بلکه لازم است به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از سیاست‌های توسعه پایدار شهری و با هدف تقویت هویت مکان و پاسخ‌گویی به نیازهای عاطفی و اجتماعی شهروندان تلقی شود. بر اساس این رویکرد، زیباسازی یک ابزار راهبردی برای افزایش رضایت‌مندی شهروندان از محیط زندگی، ارتقای کیفیت تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی و نهایتاً بهبود تصویر ذهنی شهروندان از شهر خود محسوب می‌شود.

در مجموع می‌توان گفت که زیباسازی شهری در قالب یک تعریف جامع، به فرآیند برنامه‌ریزی‌شده‌ای اطلاق می‌شود که با بهره‌گیری از عناصر بصری، فضایی و هنری و با مشارکت فعال نهادهای مدیریت شهری و شهروندان، در پی ارتقای کیفیت منظر، بهبود هویت فضاهای شهری و تقویت حس رضایت‌مندی و نشاط اجتماعی ساکنان است. چنین نگاهی به زیباسازی می‌تواند شهرداری‌ها را از رویکردهای منفعل و نمادین به سمت برنامه‌ریزی‌های فراگیر و پایدار برای خلق محیط‌های شهری مطلوب سوق دهد.

۳- شاخص‌ها و ابعاد زیباسازی شهری با تأکید بر نقاشی دیواری، مبلمان شهری و نورپردازی

زیباسازی شهری مفهومی چندلایه و دارای ابعاد متنوع کالبدی، عملکردی و ادراکی است که در طول سال‌های اخیر در متون علمی شهرسازی و مدیریت شهری به اشکال مختلف مورد تبیین قرار گرفته است. به‌طور کلی می‌توان گفت زیباسازی شهری به سه دسته شاخص اصلی شامل شاخص‌های کالبدی و بصری، شاخص‌های عملکردی و شاخص‌های ادراکی ـ روان‌شناختی تقسیم می‌شود (شاهرخی فر و همکاران، ۱۴۰۱). هر کدام از این شاخص‌ها، حوزه‌ها و عناصر خاصی را در بر می‌گیرد که به صورت هم‌افزا می‌توانند بر کیفیت محیط و نهایتاً بر رضایت‌مندی شهروندان اثرگذار باشند. در بعد کالبدی و بصری، زیباسازی معطوف به استفاده خلاقانه از فرم، رنگ، مصالح، نور و سایر مؤلفه‌های دیداری در محیط شهری است. سه نمونه برجسته این حوزه که در این پژوهش نیز بر آن‌ها تأکید شده عبارتند از:

۳-۱- نقاشی دیواری (دیوارنگاره‌ها) به‌عنوان ابزاری در زیباسازی شهری

نقاشی‌های دیواری یا همان دیوارنگاره‌ها، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر زیباسازی شهری، نقشی دوگانه و بسیار پررنگ در بهبود کیفیت بصری و ارتقای هویت محیط‌های شهری ایفا می‌کنند. در بسیاری از متون مدیریت شهری و هنر شهری، دیوارنگاره‌ها را «هنر در مقیاس شهر» می‌نامند؛ چرا که برخلاف آثار هنری محدود به فضاهای بسته، این آثار به‌طور مستقیم در فضاهای باز و عمومی حضور دارند و به همین دلیل با حجم گسترده‌ای از مخاطبان یعنی همه عابران و ساکنان شهر روبه‌رو هستند (شاهرخی فر و همکاران، ۱۴۰۱). از منظر زیبایی‌شناختی، نقاشی‌های دیواری قادرند سیمای یکنواخت، خشن یا حتی مخدوش جداره‌های شهری را دگرگون کرده و به محیط جلوه‌ای سرزنده و پویا ببخشند. بسیاری از فضاهای رهاشده، دیوارهای بلند و بی‌هویت، گذرگاه‌های کم‌نور و حتی جداره‌های بتنی معابر، با خلق یک نقاشی دیواری خلاقانه به فضایی جذاب و قابل‌توجه تبدیل می‌شوند. این امر نه تنها کیفیت بصری محیط را بالا می‌برد بلکه می‌تواند باعث کاهش حس ناامنی و ارتقای احساس راحتی عابران شود. پژوهش نصیری (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که در بسیاری از خیابان‌های ایران، افزودن رنگ و نقوش هنری به دیوارها، ادراکات روانی مردم از محیط را به‌طور محسوسی به سمت احساس سرزندگی و آرامش سوق داده است.

از زاویه هویتی ـ فرهنگی، نقاشی‌های دیواری ظرفیتی بسیار ارزشمند برای بازنمایی نمادها، اسطوره‌ها، داستان‌های تاریخی و عناصر فرهنگ بومی شهرها دارند. در واقع این نقوش می‌توانند به‌عنوان زبان بصری شهر عمل کنند و با القای مفاهیم و خاطره‌های جمعی، حس تعلق ساکنان به محل سکونت‌شان را تقویت نمایند (گلپاشا، ۱۳۹۴). به‌عنوان نمونه، دیوارنگاره‌هایی که آیین‌ها، مشاهیر، طبیعت و مناظر شاخص منطقه را نشان می‌دهند، شهروندان را به یاد ریشه‌های مشترک و میراث معنوی‌شان می‌اندازند. چنین استفاده‌ای از نقاشی دیواری می‌تواند حتی در بافت‌های جدید و نوساز که از هویت تاریخی تهی‌اند، به بازآفرینی معنایی و فرهنگی محیط کمک کند. از جنبه اقتصادی و اجرایی نیز دیوارنگاره‌ها نسبت به بسیاری از پروژه‌های بزرگ بازآفرینی شهری، هزینه به‌مراتب پایین‌تری دارند و در عین حال می‌توانند تغییرات بزرگی در سیمای شهر ایجاد کنند. همین ویژگی باعث شده که در سال‌های اخیر، شهرداری‌ها از نقاشی دیواری به‌عنوان یک استراتژی سریع و نسبتاً کم‌هزینه برای ارتقای منظر شهری استفاده کنند (فاطمی، ۱۳۹۸). ضمن آنکه این هنر شهری انعطاف زیادی دارد و می‌توان متناسب با هر محله، پیام و مضامین مختص به آن منطقه را طراحی کرد.

در نهایت، باید توجه داشت که تأثیرگذاری دیوارنگاره‌ها مشروط به چند اصل مهم است: این آثار باید دارای طراحی حرفه‌ای، پیام‌های مثبت، همخوانی با هویت فرهنگی، و نگهداری و نوسازی مستمر باشند. در غیر این‌صورت ممکن است پس از مدتی

رنگ‌پریدگی، کنده‌شدن یا حتی ایجاد حس آشفتگی در جداره‌ها رخ دهد و اثر معکوس بگذارد. از این‌رو زیباسازی شهری از طریق نقاشی دیواری نیازمند برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و نظارت مستمر مدیریت شهری است.

۳-۲- مبلمان شهری و نقش آن در زیباسازی و رضایت‌مندی شهروندان

مبلمان شهری یکی از مهم‌ترین اجزای کالبدی فضاهای شهری به شمار می‌آید که نقشی فراتر از یک عنصر صرفاً عملکردی ایفا می‌کند و در واقع به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های زیباسازی و ارتقای کیفیت محیط‌های شهری محسوب می‌شود. در ادبیات مدیریت شهری، مبلمان شهری به مجموعه وسیعی از اجزای ثابت و متحرکی گفته می‌شود که برای تسهیل زندگی روزمره، تأمین رفاه، ارتقای ایمنی، ساماندهی فضاها و همچنین افزایش جذابیت بصری محیط‌های شهری طراحی و نصب می‌شوند (شاهرخی فر و همکاران، ۱۴۰۱).این عناصر شامل نیمکت‌ها، سطل‌های زباله، ایستگاه‌های اتوبوس، کیوسک‌ها، گلدان‌ها، تابلوهای راهنما، آلاچیق‌ها، ایستگاه‌های دوچرخه، آبخوری‌ها و حتی المان‌های هنری هستند که در فضاهای مختلف شهر جای می‌گیرند. هرچند فلسفه اولیه طراحی مبلمان شهری، پاسخ‌گویی به نیازهای کاربردی شهروندان در فضاهای عمومی است، اما امروزه در رویکردهای جدید برنامه‌ریزی شهری، این عناصر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های زیبایی‌شناختی و نشانه‌های هویتی شهر مورد توجه قرار می‌گیرند (نصیری، ۱۳۹۹).

بر اساس یافته‌های فاطمی (۱۳۹۸)، کیفیت طراحی مبلمان شهری می‌تواند به‌طور مستقیم بر احساس تعلق، حس مکان و میزان رضایت‌مندی شهروندان از محیط زندگی‌شان اثرگذار باشد. به‌عبارت دیگر، نیمکت‌ها و سایه‌بان‌هایی که با توجه به اقلیم، فرهنگ محلی و ویژگی‌های بصری فضا طراحی شده‌اند، علاوه بر آنکه فضایی برای استراحت و تعاملات اجتماعی فراهم می‌کنند، سبب می‌شوند محیط شهری هویت‌مند و دوست‌داشتنی به نظر برسد. در مقابل، جانمایی‌های نامناسب، فرم‌های ناهماهنگ، یا استفاده از مصالحی که با آب‌وهوای منطقه ناسازگارند، می‌توانند حتی جلوه بصری کل فضا را مخدوش سازند.از منظر روان‌شناختی و اجتماعی، مبلمان شهری بستری برای شکل‌گیری تعاملات چهره‌به‌چهره، گفت‌وگوهای کوتاه محلی و حتی تجربه جمعی حضور در فضاهای عمومی فراهم می‌کند. نیمکت‌های کافی و راحت در مسیرهای پیاده‌راه یا در کنار پارک‌ها و میدان‌ها، نه تنها باعث جذب بیشتر مردم به فضاهای باز می‌شوند بلکه در ایجاد حس امنیت، نشاط و زنده‌دلی در شهروندان نیز مؤثرند (گلپاشا، ۱۳۹۴).

در همین راستا، برخی پژوهش‌ها تأکید می‌کنند که مبلمان شهری چنانچه به‌صورت هماهنگ طراحی و در فضاهای شهری چیدمان شود، می‌تواند «داستان بصری شهر» را شکل دهد و به نوعی زبان بی‌کلام برای بیان هویت، تاریخ و فرهنگ آن شهر بدل شود (شاهرخی فر و همکاران، ۱۴۰۱). برای مثال، استفاده از نقوش کردی در طراحی گلدان‌ها و ایستگاه‌های اتوبوس در دیواندره، ضمن ارتقای منظر شهری، هویتی بومی و منحصر به فرد به فضاها می‌بخشد که در افزایش رضایت‌مندی شهروندان و حتی گردشگران مؤثر خواهد بود.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مبلمان شهری یکی از ارکان کلیدی زیباسازی شهری و در عین حال عنصری حیاتی در ارتقای کیفیت زندگی شهری محسوب می‌شود که نقش آن فراتر از پاسخ به نیازهای ساده عملکردی است. به‌شرطی که طراحی، جانمایی، انتخاب فرم، رنگ و مصالح این عناصر با دقت و بر پایه اصول زیبایی‌شناسی و ویژگی‌های فرهنگی ـ اقلیمی هر شهر انجام شود، مبلمان شهری می‌تواند به عامل اصلی نشاط‌بخشی و رضایت شهروندان از محیط زندگی‌شان تبدیل گردد.

۳-۳- نورپردازی شهری و جایگاه آن در زیباسازی و ارتقای رضایت‌مندی شهروندان

نورپردازی شهری یکی از ابعاد بسیار مهم در زیباسازی فضاهای شهری است که به دلیل ماهیت دوسویه خود، یعنی کارکرد همزمان ایمنی‌بخشی و زیبایی‌بخشی، جایگاهی ویژه در طراحی محیط‌های شهری یافته است. در واقع، نورپردازی نه فقط به‌عنوان یک ابزار تأمین روشنایی معابر در ساعات شب مطرح است، بلکه امروزه به‌عنوان یکی از عناصر کلیدی در شکل‌دادن به سیمای شبانه شهرها و ارتقای جذابیت بصری محیط‌های عمومی شناخته می‌شود (شاهرخی فر و همکاران، ۱۴۰۱).بر اساس دیدگاه‌های مطرح در ادبیات شهرسازی، نورپردازی خلاقانه می‌تواند فضای شهری را از یک محیط سرد، خالی و حتی ناامن، به محیطی دلپذیر، پویا و دعوت‌کننده تبدیل کند. به تعبیر نصیری (۱۳۹۹)، نور همان‌قدر که در معماری داخلی نقش آفرینی می‌کند، در مقیاس کلان‌تر، در معماری شهر نیز مؤلفه‌ای اساسی برای خلق «حیات شبانه» به‌شمار می‌رود. این بعد از نورپردازی، به‌ویژه در ارتقای کیفیت حضور شهروندان در ساعات غروب و شب و تشویق آن‌ها به استفاده ایمن و لذت‌بخش از فضاهای عمومی اهمیت می‌یابد.

از منظر ایمنی و آسایش روانی، نورپردازی مناسب معابر، پیاده‌راه‌ها، پارک‌ها و میادین می‌تواند به‌طور مستقیم حس امنیت را در شهروندان افزایش دهد و با کاهش تاریکی‌های مزاحم، امکان وقوع جرائم خرد و احساس ترس را کاهش دهد (گلپاشا، ۱۳۹۴). این جنبه، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های مورد توجه مدیران شهری در پروژه‌های روشنایی فضاهای عمومی است.از سوی دیگر، نورپردازی به‌عنوان یک عنصر زیبایی‌شناختی و نمادین، ظرفیت بالایی برای خلق جلوه‌های خاص و حتی تعریف هویت شبانه شهر دارد. با استفاده از نورپردازی‌های خلاقانه می‌توان جداره‌ها، ساختمان‌های شاخص، پل‌ها و المان‌های شهری را به‌گونه‌ای برجسته

کرد که سیمای شبانه شهر تصویری متفاوت و هویت‌مند پیدا کند. در این بستر، نور به‌مثابه یک «رسانه بی‌کلام» عمل می‌کند که پیام‌های هنری، فرهنگی و هویتی شهر را به عابران و ساکنان منتقل می‌کند (فاطمی، ۱۳۹۸).از منظر اقتصاد شهری و گردشگری نیز توجه به نورپردازی حرفه‌ای می‌تواند نقش مهمی در افزایش حضور گردشگران شبانه و رونق فعالیت‌های اقتصادی وابسته ایفا کند. بسیاری از مطالعات تأکید دارند که در شهرهایی که از نورپردازی هوشمند و زیبا در محورهای گردشگری استفاده شده، زمان حضور شهروندان و مسافران در این فضاها به‌طور محسوسی افزایش یافته است (شاهرخی فر و همکاران، ۱۴۰۱).

البته باید توجه داشت که طراحی و اجرای نورپردازی شهری نیازمند دقت و مطالعات فنی و زیبایی‌شناختی است. نورهای بیش از حد شدید یا رنگ‌های ناسازگار با هویت بومی می‌تواند آثار معکوس بر ادراک بصری مردم بگذارد و حتی آلودگی نوری ایجاد کند. از این‌رو، بهره‌گیری از اصول طراحی روشنایی بر پایه ویژگی‌های معماری، مقیاس فضا، کاربری‌های پیرامونی و سلیقه‌های بومی، لازمه یک نورپردازی موفق در پروژه‌های زیباسازی شهری است.به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که نورپردازی، به‌عنوان بخشی از سیاست‌های زیباسازی شهری، علاوه بر ارتقای ایمنی و کارکرد شبانه فضاها، می‌تواند سیمای منحصربه‌فردی به شهر بدهد و رضایت‌مندی شهروندان از محیط زندگی‌شان را به شکل قابل توجهی افزایش دهد، مشروط بر آنکه این فرآیند بر پایه مطالعات دقیق محیطی و مشارکت‌جویانه با خود مردم طراحی و اجرا شود.

۳-۴- بعد عملکردی زیباسازی شهری

یکی از مهم‌ترین ابعاد زیباسازی شهری که در بسیاری از تحلیل‌ها کمتر به آن توجه شایسته می‌شود، بعد عملکردی آن است. در حالی که بیشتر نگاه‌ها به زیباسازی، متوجه ابعاد بصری و تزئینی است، واقعیت آن است که زیباسازی موفق، زمانی معنا می‌یابد که بتواند با رفع نیازهای واقعی مردم در استفاده از فضاهای شهری و بهبود کیفیت زندگی روزمره آنان همراه باشد. به‌عبارت دیگر، هر پروژه زیباسازی اگر صرفاً به تغییر ظاهر محیط منجر شود، بدون آنکه امکان بهره‌برداری بهتر، آسایش بیشتر و دسترسی آسان‌تر را برای شهروندان فراهم سازد، نمی‌تواند به هدف غایی خود که ارتقای رضایت‌مندی ساکنان است، دست یابد (نصیری، ۱۳۹۹).برای نمونه، مبلمان شهری که از ارکان مهم زیباسازی فضاهای عمومی محسوب می‌شود، در صورتی می‌تواند نقشی واقعی در بهبود تجربه زیسته شهروندان ایفا کند که علاوه بر هماهنگی با سیمای بصری شهر، از نظر ارگونومیک، اقلیمی و نیازهای رفتاری مردم نیز طراحی شده باشد. نیمکت‌هایی که به‌صورت علمی متناسب با قد، نشیمن و زاویه راحتی کاربران طراحی نشده باشند، یا در مکان‌های نامناسب (مثلاً زیر آفتاب شدید تابستان یا در مسیر مستقیم بادهای سرد) نصب شوند، هرچند ممکن است از نظر فرم و رنگ زیبا باشند، اما عملاً غیرکاربردی شده و حتی باعث نارضایتی شوند (فاطمی، ۱۳۹۸).

از سوی دیگر، مسیرهای پیاده‌راه یا فضاهای نشستن اگر فاقد مبلمان کافی، سایه‌بان یا روشنایی مطلوب باشند، در واقع کارکرد اجتماعی خود را از دست می‌دهند و امکان حضور پایدار شهروندان در این فضاها تضعیف می‌شود. به همین دلیل است که موسوی و یزدان‌پناه (۱۳۹۸) تأکید می‌کنند هرگونه اقدام زیباسازی در فضاهای شهری باید همزمان سه بُعد جذابیت بصری، کارآمدی عملکردی و راحتی استفاده برای عموم گروه‌های سنی و جسمی را مورد توجه قرار دهد.در واقع، زیباسازی عملکردمحور می‌کوشد با طراحی مبلمان متنوع، کف‌سازی‌های مناسب، نورپردازی ایمن و همچنین جانمایی‌های حساب‌شده، نه تنها چهره شهر را زیباتر کند بلکه زمینه حضور معنادار، تعامل اجتماعی و رفاه جسمی و روانی مردم را فراهم آورد. بدین‌ترتیب زیباسازی به‌جای آنکه صرفاً اقدامی زینتی و گاه پرهزینه باشد، به ابزاری برای بهبود سبک زندگی شهری، تقویت ارتباطات اجتماعی و ارتقای سرمایه اجتماعی تبدیل خواهد شد.

از این منظر، می‌توان گفت بعد عملکردی زیباسازی، ضامن پایداری و تأثیر واقعی آن بر رضایت‌مندی شهروندان است. هرچه پروژه‌های زیباسازی هم‌زمان نیازهای استفاده‌پذیری، راحتی، امنیت و تعامل‌پذیری مردم را پاسخ دهند، تأثیر مثبت آن‌ها بر کیفیت زندگی شهری پایدارتر و عمیق‌تر خواهد بود.

۳-۵- بعد ادراکی و روان‌شناختی زیباسازی شهری

زیباسازی شهری تنها به بُعد کالبدی و عناصر مشهود در فضاهای شهری محدود نمی‌شود، بلکه بخش بسیار مهمی از تأثیرگذاری آن در سطح ادراکات ذهنی، روان‌شناختی و تجربه زیسته شهروندان از محیط شهری تجلی می‌یابد. در واقع، یکی از اصلی‌ترین اهداف زیباسازی شهری، ارتقای کیفیت ادراک ساکنان و بازدیدکنندگان از فضاست، به‌گونه‌ای که حضور در محیط شهری برای آنان با احساس آرامش، نشاط و رضایت همراه شود (شاهرخی فر و همکاران، ۱۴۰۱).مطالعات متعددی در حوزه روان‌شناسی محیط و طراحی شهری نشان داده‌اند که ادراکات انسان از محیط‌های شهری، تحت تأثیر عوامل متعددی مانند تنوع رنگ، مقیاس مناسب فضاها، خوانایی محیط، وجود علائم بصری قابل‌فهم، نورپردازی‌های آرام‌بخش و حتی تناسب فرم‌ها و چیدمان‌ها قرار می‌گیرد (نصیری، ۱۳۹۹). هرچه این عوامل در طراحی زیباسازی شهری با دقت بیشتری رعایت شوند، محیط از نظر

ذهنی برای شهروندان دلپذیرتر، قابل‌پیش‌بینی‌تر و ایمن‌تر به نظر می‌رسد. به همین دلیل است که گلپاشا (۱۳۹۴) تأکید می‌کنند زیباسازی زمانی معنا و اثر واقعی خود را پیدا می‌کند که بتواند در ساکنان و رهگذران احساس امنیت روانی، آرامش، سرزندگی و تعلق به مکان را برانگیزد.

از سوی دیگر، رنگ‌آمیزی مناسب جداره‌ها، استفاده از نقوش بومی یا طبیعی، طراحی نورپردازی‌های متنوع اما ملایم، به‌گونه‌ای که زوایای تاریک و دلهره‌آور را کاهش دهد، از جمله عواملی است که به‌طور مستقیم بر سطح استرس یا آرامش روانی عابران تأثیر می‌گذارد (فاطمی، ۱۳۹۸). برای نمونه، خیابانی که با نقاشی‌های دیواری رنگی، مبلمان دعوت‌کننده و نورپردازی‌های گرم تزئین شده باشد، فضایی به مراتب شادتر و اطمینان‌بخش‌تر در ذهن رهگذران خلق می‌کند تا محیطی که صرفاً دارای نور سفید شدید یا دیوارهای خاکستری و بدون هیچ عنصری از تنوع بصری باشد.افزون بر این، بعد ادراکی زیباسازی می‌تواند حس تعلق و هویت‌مندی را در ساکنان محلات شهری تقویت کند. زمانی که نمادها، رنگ‌ها و نقوشی که در زیباسازی فضاهای عمومی به‌کار می‌روند برگرفته از فرهنگ محلی یا ویژگی‌های طبیعی پیرامون باشند، شهروندان آن محیط را «مال خود» می‌دانند و این حس تعلق، رضایت و مسئولیت‌پذیری آنان در قبال نگهداشت آن فضا را افزایش می‌دهد (گلپاشا، ۱۳۹۴).

در مجموع، بعد ادراکی و روان‌شناختی زیباسازی شهری را می‌توان مهم‌ترین پیونددهنده کالبد شهر با ذهن و احساس شهروندان دانست. این بعد است که تعیین می‌کند عناصر زیباسازی تنها به چشم زیبا باشند یا بتوانند واقعاً سطح آرامش، امنیت، نشاط و رضایت مردم را از حضور در فضاهای شهری ارتقا دهند.

۳-۶- ارتباط زیباسازی شهری با کیفیت زندگی و رضایت‌مندی شهروندان

زیباسازی شهری به‌عنوان یکی از رویکردهای مهم مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، تأثیرات چندسویه‌ای بر مؤلفه‌های کیفیت زندگی و رضایت‌مندی شهروندان از محیط سکونت خود دارد. کیفیت زندگی شهری مفهومی پیچیده و چندبعدی است که علاوه بر شاخص‌های مادی همچون زیرساخت‌ها، خدمات و رفاه اقتصادی، به‌شکل جدی تحت تأثیر کیفیت محیط زیست شهری، حس زیباشناختی و تجربه ادراکی افراد از فضاهای عمومی قرار می‌گیرد (شاهرخی فر و همکاران، ۱۴۰۱). در این میان، زیباسازی به‌عنوان عاملی که به‌طور مستقیم بر چهره ظاهری شهر، هویت بصری و تجربه روانی افراد از محیط تأثیر می‌گذارد، جایگاهی کلیدی در شکل‌دهی به سطح رضایت‌مندی شهروندان دارد.مطالعات متعددی در داخل کشور نشان داده‌اند که بهبود کیفیت منظر و فضای کالبدی شهر، نه‌تنها باعث افزایش جذابیت ظاهری و ارتقای سیمای عمومی شهر می‌شود، بلکه نقش قابل توجهی در تقویت حس تعلق، کاهش استرس‌های روانی، ارتقای ایمنی ذهنی و حتی افزایش تعاملات اجتماعی میان شهروندان ایفا می‌کند (نصیری، ۱۳۹۹). به تعبیر گلپاشا (۱۳۹۴)، زیباسازی شهری با ایجاد فضاهای دعوت‌کننده، پرنشاط و آراسته می‌تواند نوعی «امید به زندگی شهری» را در شهروندان احیا کند که خود از مهم‌ترین مؤلفه‌های رضایت‌مندی آنان به‌شمار می‌آید.از سوی دیگر، زیباسازی شهری از طریق اقدامات مشهودی مانند نقاشی‌های دیواری فرهنگی، مبلمان متنوع و متناسب، نورپردازی‌های آرام‌بخش و طراحی هماهنگ جداره‌ها می‌تواند تصویر ذهنی افراد از شهرشان را بهبود بخشد. این تصویر ذهنی مثبت سبب می‌شود افراد شهر را نه فقط به‌عنوان یک فضای فیزیکی، بلکه به‌عنوان «خانه اجتماعی» خود درک کنند. چنین درکی رابطه‌ای مستقیم با سطح رضایت افراد از زندگی در آن شهر دارد (فاطمی، ۱۳۹۸).

همچنین باید توجه داشت که کیفیت زیباسازی شهری، حتی می‌تواند شاخص‌های غیرمستقیم کیفیت زندگی نظیر امنیت اجتماعی، فعالیت‌های اقتصادی خرد و گردشگری محلی را نیز ارتقا دهد. به‌عنوان مثال خیابان‌هایی که با نورپردازی‌های ملایم، نقوش هنری و مبلمان کارآمد مزین شده‌اند، بیشتر به مقصد پیاده‌روی، گفت‌وگوهای محلی و حتی جذب کسب‌وکارهای کوچک تبدیل می‌شوند. این یعنی زیباسازی علاوه بر بهبود روانی شهروندان، اثری زنجیره‌ای بر زندگی اجتماعی و معیشتی آنان نیز برجای می‌گذارد (شاهرخی فر و همکاران، ۱۴۰۱).

در مجموع می‌توان گفت زیباسازی شهری به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر ابعاد گوناگون کیفیت زندگی شهروندان اثرگذار است. این تأثیرات در قالب ارتقای حس سرزندگی، آرامش، احساس تعلق، افزایش فرصت‌های تعامل اجتماعی و در نهایت شکل‌گیری تصویر ذهنی مطلوب از شهر بروز می‌یابد. بدین‌ترتیب ارتقای سطح زیباسازی محیط‌های شهری را باید نه یک هزینه جانبی، بلکه یک سرمایه‌گذاری راهبردی برای بهبود کیفیت زندگی و رضایت‌مندی پایدار ساکنان شهر دانست.

۴- معرفی محدوده مورد مطالعه

شهر دیواندره به‌عنوان مرکز شهرستان دیواندره در استان کردستان، در بخش شمالی این استان و در مسیر ارتباطی سنندج به سقز واقع شده است. این شهر با مختصات جغرافیایی تقریباً ۳۵ درجه و ۵۵ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۱ دقیقه طول شرقی، در ارتفاع حدود ۱۹۵۰ متری از سطح دریا قرار گرفته و از نظر اقلیمی، دارای آب‌وهوایی سرد و کوهستانی است که زمستان‌های

طولانی و پربرف و تابستان‌های نسبتاً ملایم را تجربه می‌کند. دیواندره از نظر توپوگرافی در میان رشته‌کوه‌های زاگرس واقع شده و سیمای طبیعی آن متأثر از فراز و نشیب‌های کوهستانی و دره‌های سرسبز اطراف است که بخشی از هویت بومی و بصری شهر را شکل داده است.

از منظر کالبدی، دیواندره با جمعیتی در حدود ۳۰ هزار نفر (بر اساس آخرین برآوردهای مرکز آمار ایران) دارای ساختاری نیمه‌متمرکز است. بافت شهر در محور جاده سنندج ـ سقز توسعه یافته و خیابان‌های اصلی آن به‌صورت نسبتاً خطی در امتداد این محور شکل گرفته‌اند. بخش‌هایی از بافت قدیمی شهر هنوز دارای معابر کم‌عرض، جداره‌های غیرهمگن و ساختمان‌های قدیمی با کیفیت نازل هستند، در حالی که در دهه‌های اخیر به‌ویژه در حاشیه غربی و جنوبی شهر، نواحی نوساز با خیابان‌های پهن‌تر و ساختمان‌های بلندتر پدید آمده است. این الگوی کالبدی ترکیبی از بافت‌های سنتی و مدرن، خود تأثیر مهمی بر منظر شهری و نیازهای زیباسازی در دیواندره گذاشته است.در سال‌های اخیر شهرداری دیواندره تلاش‌هایی در جهت بهبود سیمای شهری و ارتقای کیفیت محیط‌های عمومی انجام داده که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به اجرای پروژه‌های زیباسازی مانند نقاشی دیواری در برخی جداره‌های اصلی، نصب مبلمان شهری جدید و طراحی نورپردازی در میدان‌ها و بلوارهای ورودی شهر اشاره کرد. به‌عنوان مثال در خیابان‌های امام و بلوار آیت‌الله طالقانی، دیوارنگاره‌هایی با موضوعات فرهنگی و تاریخی مناطق کردستان به تصویر کشیده شده که هدف از آن ایجاد نوعی حس هویت و جذابیت بصری برای شهروندان و مسافران بوده است. همچنین شهرداری در برخی پارک‌های محلی اقدام به نصب نیمکت‌های جدید، سطل‌های زباله رنگی و پایه چراغ‌های تزئینی کرده که به‌رغم محدودیت‌های بودجه‌ای، کوشیده است چهره فضاهای عمومی را بهبود بخشد.

با این حال شواهد میدانی و نتایج گفتگو با برخی شهروندان حاکی از آن است که این اقدامات هنوز به‌طور کامل و یکپارچه در سطح شهر گسترش نیافته و در بسیاری از محلات، جداره‌های رهاشده، نبود مبلمان کافی و یا نورپردازی ناکافی به چشم می‌خورد. به‌طور خاص در بخش‌هایی از بافت قدیمی و نیز در ورودی‌های فرعی شهر، کمبود جلوه‌های زیباسازی محسوس است. این وضعیت نشان می‌دهد که دیواندره هنوز در آغاز مسیر ایجاد یک سیمای منسجم و هویت‌دار شهری قرار دارد و به برنامه‌ریزی‌های جامع‌تر و مشارکت‌جویانه‌تری برای توسعه پروژه‌های زیباسازی نیازمند است تا بتواند کیفیت زندگی شهروندان خود را ارتقا دهد و همچنین تصویر ذهنی مثبتی در ذهن بازدیدکنندگان و گردشگران از خود ایجاد کند.

۵- روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی بوده و از حیث ماهیت و روش، در زمره تحقیقات توصیفی ـ تحلیلی قرار می‌گیرد. بدین معنا که تلاش شده است ابتدا وضعیت موجود تأثیر پروژه‌های زیباسازی شهری شامل نقاشی‌های دیواری، مبلمان شهری و نورپردازی در دیواندره به‌طور توصیفی مورد بررسی قرار گیرد و سپس با تحلیل داده‌ها، میزان اثرگذاری این اقدامات بر سطح رضایت‌مندی شهروندان تحلیل شود. جامعه آماری این تحقیق را کلیه شهروندان ساکن شهر دیواندره تشکیل می‌دهند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با پروژه‌های زیباسازی شهری مواجه بوده و از آن‌ها بهره‌مند می‌شوند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که با لحاظ سطح خطای ۵ درصد و بر اساس جمعیت تقریبی دیواندره، حجم نمونه معادل ۳۸۰ نفر به دست آمد. نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده صورت گرفت تا بدین‌ترتیب امکان تعمیم نتایج به کل جامعه شهری فراهم شود. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش یک پرسشنامه محقق‌ساخته بود که با بهره‌گیری از مبانی نظری و مطالعات پیشین در زمینه زیباسازی شهری، کیفیت محیط، و رضایت‌مندی شهروندان طراحی شد. پرسشنامه شامل دو بخش اصلی بود: بخش نخست به جمع‌آوری اطلاعات جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان اختصاص داشت و بخش دوم، پرسش‌هایی را در ارتباط با میزان رضایت از پروژه‌های زیباسازی (در سه شاخه نقاشی دیواری، مبلمان و نورپردازی) و همچنین دیدگاه‌های آنان درباره کیفیت و اثرات این اقدامات بر محیط زندگی‌شان دربر می‌گرفت. برای سنجش روایی محتوا پرسشنامه، از نظرات متخصصان حوزه برنامه‌ریزی شهری و تعدادی از استادان دانشگاهی استفاده شد و اصلاحات لازم بر اساس بازخوردهای دریافت‌شده اعمال گردید. همچنین به‌منظور بررسی پایایی ابزار، از روش آلفای کرونباخ بهره گرفته شد که مقدار آن برای کل مقیاس پرسشنامه ۰.۸۷ به دست آمد و این امر نشان‌دهنده انسجام درونی مطلوب گویه‌های پرسشنامه بود. داده‌های گردآوری‌شده پس از ورود به نرم‌افزار SPSS با استفاده از آمارهای توصیفی (میانگین، انحراف معیار، فراوانی‌ها و درصدها) و همچنین آزمون‌های تحلیلی نظیر همبستگی پیرسون و آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) تحلیل گردید تا ارتباط متغیرهای زیباسازی شهری با میزان رضایت‌مندی شهروندان به‌طور معنادار مشخص شود. بدین ترتیب روش‌شناسی تحقیق حاضر تلاشی است تا با رویکردی نظام‌مند، وضعیت موجود و اثرات پروژه‌های زیباسازی شهری دیواندره را از منظر شهروندان ارزیابی کند و زمینه‌ای برای برنامه‌ریزی‌های آتی مدیریت شهری فراهم آورد.

۶- یافته ها

تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌های تکمیل‌شده توسط ۳۸۰ نفر از شهروندان دیواندره، ابعاد مختلف پروژه‌های زیباسازی شهری (شامل نقاشی‌های دیواری، مبلمان شهری و نورپردازی) را از منظر سطح رضایت‌مندی مردم بررسی کرد. نتایج نشان می‌دهد که نگاه اکثریت پاسخ‌دهندگان نسبت به کیفیت و گستره این پروژه‌ها در سطح متوسط یا پایین قرار دارد و این امر به‌طور مستقیم در ارزیابی کلی آن‌ها از محیط شهری دیواندره بازتاب یافته است. جدول زیر ارزیابی توصیفی شهروندان از وضعیت سه شاخص اصلی زیباسازی شهری را نشان می‌دهد:

جدول۱-ارزیابی توصیفی شهروندان از وضعیت سه شاخص اصلی زیباسازی شهری

شاخص زیباسازی	(%) خیلی ضعیف	(%) ضعیف	(%) متوسط	(%) خوب	(%) خیلی خوب
نقاشی دیواری	7	20	56	14	3
مبلمان شهری	9	26	49	13	3
نورپردازی شهری	18	41	28	10	3

همان‌طور که جدول نشان می‌دهد، بیشترین درصد ارزیابی «متوسط» مربوط به نقاشی‌های دیواری است (۵۶ درصد) که این امر نشان می‌دهد شهروندان هرچند وجود این دیوارنگاره‌ها را در برخی معابر اصلی مشاهده می‌کنند، اما از حیث پراکندگی، نگهداری و جذابیت بصری، وضعیت را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. در حدود ۲۷ درصد (خیلی ضعیف + ضعیف) نیز معتقدند این نقاشی‌ها نتوانسته‌اند تغییر معناداری در منظر شهری ایجاد کنند. گفت‌وگوهای کوتاه با برخی شهروندان در کنار پاسخ‌های کیفی پرسشنامه حاکی از آن بود که بسیاری رنگ‌پریدگی و تخریب تدریجی این دیوارنگاره‌ها را عامل اصلی این ارزیابی می‌دانند. در مورد مبلمان شهری، داده‌ها نشان می‌دهد که تقریباً ۳۵ درصد (خیلی ضعیف + ضعیف) شهروندان وضعیت مبلمان (نیمکت‌ها، سطل‌های زباله، تابلوهای راهنما، ایستگاه‌های اتوبوس و...) را نامطلوب می‌دانند. دلایلی که در پاسخ‌های باز ارائه شد عمدتاً شامل کمبود تعداد، طراحی غیراصولی، و نبود سایه‌بان در برخی فضاها بود. این در حالی است که حدود ۴۹ درصد وضعیت را متوسط دانسته‌اند، به این معنا که مبلمان تا حدی نیازهای ظاهری را برطرف کرده ولی رضایت کامل ایجاد نکرده است. تنها ۱۶ درصد (خوب و خیلی خوب) از پاسخ‌دهندگان از کیفیت و مکان‌یابی این عناصر رضایت بالایی داشته‌اند.

بیشترین میزان نارضایتی به نورپردازی شهری اختصاص دارد؛ به‌طوری‌که حدود ۵۹ درصد (خیلی ضعیف + ضعیف) وضعیت نورپردازی معابر، میادین و پارک‌های شهری را نامطلوب ارزیابی کرده‌اند. شهروندان عمدتاً از یکنواختی نور، نبود طراحی‌های خلاقانه و تاریکی در برخی کوچه‌ها و خیابان‌های فرعی گلایه‌مند بودند. این موضوع نشان می‌دهد که پروژه‌های نورپردازی هنوز نتوانسته‌اند نقش مهم خود را هم در ارتقای ایمنی شبانه و هم در جذابیت بصری فضاها ایفا کنند. حتی تنها ۱۳ درصد (خوب + خیلی خوب) به اثر مثبت نورپردازی‌های موجود اشاره داشتند.

جدول۲-ضریب همبستگی پیرسون بین کیفیت شاخص‌های زیباسازی و رضایت‌مندی شهروندان

شاخص زیباسازی	ضریب همبستگی(r)	سطح معناداری(p)
نقاشی دیواری	0.28	< 0.05
مبلمان شهری	0.36	< 0.05
نورپردازی شهری	0.42	< 0.05

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، بین ارزیابی کیفیت سه شاخص اصلی زیباسازی (نقاشی دیواری، مبلمان و نورپردازی) و رضایت‌مندی کلی شهروندان از محیط زندگی شهری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($p<0.05$).به‌ویژه نورپردازی با ضریب همبستگی ۰.۴۲ قوی‌ترین ارتباط را نشان داده است که بیانگر آن است که بهبود وضعیت نورپردازی نه فقط از منظر امنیت، بلکه از جنبه‌های ادراک زیبایی‌شناختی و تجربه حضور شبانه در فضاهای شهری اهمیت بالایی برای شهروندان دارد. پس از آن، مبلمان شهری با ضریب ۰.۳۶ و نقاشی دیواری با ۰.۲۸ نیز همبستگی‌های مثبت و معناداری با رضایت‌مندی داشته‌اند. این یافته‌ها به‌طور روشنی تأیید می‌کند که پروژه‌های زیباسازی صرفاً تغییرات ظاهری نبوده و می‌توانند در احساس خوشایند شهروندان نسبت به محیط زندگی و تقویت تعلق مکانی آن‌ها نقش ایفا کنند.

جدول۳- نتایج آزمون تحلیل واریانس (ANOVA)برای مقایسه میانگین ارزیابی شاخص‌ها بر اساس گروه‌های سنی

شاخص زیباسازی	مقدار F	سطح معناداری (p)	تفاوت معنادار گروه‌های سنی
نقاشی دیواری	4.12	< 0.01	بله (جوانان رضایت بیشتر)
مبلمان شهری	5.83	< 0.01	بله (میانسالان و سالمندان ناراضی‌تر)
نورپردازی شهری	6.45	< 0.01	بله (میانسالان و سالمندان ناراضی‌تر)

جدول ۳نتایج تحلیل واریانس (ANOVA) را نشان می‌دهد که بیانگر وجود اختلاف معنادار میان گروه‌های سنی مختلف در ارزیابی کیفیت این پروژه‌ها است ($p<0.01$). به‌طور خاص، نتایج این آزمون حاکی از آن است که افراد بالای ۵۰ سال نسبت به وضعیت مبلمان شهری و نورپردازی انتقادات بیشتری داشته‌اند و این گروه بیشتر از نبود سایه‌بان‌ها، نور کافی و ایمنی شبانه گلایه‌مند بودند. در مقابل، جوانان نسبت به نقاشی‌های دیواری علاقه و رضایت بیشتری نشان داده‌اند و این موضوع احتمالاً به دلیل پیوند بیشتر نسل جوان با مفاهیم هنری، رنگی و زبانی نوین است. این امر بر ضرورت توجه به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، سلیقه‌های سنی و نیازهای عملکردی متفاوت در طراحی پروژه‌های زیباسازی آینده دیواندره تأکید می‌کند. در مجموع این یافته‌ها حاکی از آن است که هرچند زیباسازی شهری در دیواندره در سطحی انجام شده، اما برای تأمین رضایت تمامی گروه‌های سنی و ارتقای کیفیت ادراک زیبایی‌شناختی، شهرداری باید رویکردی جامع‌تر، متنوع‌تر و بومی‌تر در توسعه این پروژه‌ها اتخاذ کند

۷- نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش که با هدف بررسی تأثیر پروژه‌های زیباسازی شهری شامل نقاشی دیواری، مبلمان شهری و نورپردازی بر سطح رضایت‌مندی شهروندان شهر دیواندره انجام شد، به‌خوبی نشان داد که هرچند طی سال‌های اخیر اقداماتی در راستای بهبود سیمای ظاهری و فضاهای عمومی شهر توسط شهرداری صورت گرفته است، اما این اقدامات هنوز نتوانسته‌اند در سطحی مطلوب رضایت‌مندی گسترده شهروندان را جلب کنند. یافته‌های تحقیق بیانگر آن بود که اکثریت پاسخ‌دهندگان وضعیت این سه مؤلفه اصلی زیباسازی را در سطح «متوسط» یا حتی «ضعیف» ارزیابی کردند. به‌طور خاص، بیشترین میزان نارضایتی به وضعیت نورپردازی معابر، میادین و پارک‌های شهری اختصاص داشت که شهروندان از نبود نور کافی، طراحی غیرخلاقانه و یکنواختی رنگ و شدت نور به‌طور جدی گلایه داشتند. این امر از یک‌سو ایمنی محیط‌های شهری را به‌ویژه در ساعات شب کاهش داده و از سوی دیگر از جذابیت بصری و حیات شبانه شهر کاسته است. در زمینه مبلمان شهری نیز نتایج نشان داد که کمبود کمّی، کیفیت نسبتاً پایین طراحی و نبود جانمایی اصولی سبب شده است که این عناصر صرفاً در سطحی حداقلی پاسخ‌گوی نیازهای شهروندان باشند و نتوانند به‌عنوان نمادهایی از زیبایی، هویت و حتی رفاه شهری عمل کنند. نیمکت‌هایی که فاقد سایه‌بان‌اند یا در محل‌هایی نصب شده‌اند که با مسیرهای پیاده‌روی همخوان نیست، و ایستگاه‌های اتوبوسی که سرپناه کافی ندارند، همگی نمونه‌هایی هستند که در کاهش رضایت‌مندی نقش داشته‌اند. هرچند نقاشی‌های دیواری در معابر اصلی شهر در نگاه بخشی از شهروندان جلوه‌ای مثبت داشته، اما پراکندگی محدود، رنگ‌پریدگی یا گاه محتوای ناهماهنگ با هویت محلی موجب شده این ظرفیت هنری نتواند به‌طور کامل انتظارات مردم را برآورده کند.

از سوی دیگر تحلیل‌های آماری نشان داد که میان کیفیت این شاخص‌ها و رضایت‌مندی کلی شهروندان از محیط زندگی، رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. این به آن معناست که هرچه کیفیت و تنوع عناصر زیباسازی افزایش یابد، احساس تعلق، آرامش روانی و در نهایت رضایت‌مندی ساکنان نیز تقویت می‌شود. همچنین روشن شد که گروه‌های سنی مختلف ارزیابی متفاوتی از این پروژه‌ها دارند و میانسالان و سالمندان در مقایسه با جوانان نارضایتی بیشتری به‌ویژه از مبلمان و نورپردازی داشته‌اند. این تفاوت‌های سنی نشان می‌دهد که شهرداری دیواندره در طراحی و اجرای پروژه‌های آتی باید به نیازها و سلیقه‌های متنوع نسل‌های مختلف شهروندان توجه ویژه داشته باشد. در مجموع می‌توان گفت که زیباسازی شهری نه یک اقدام لوکس و زینتی، بلکه ابزاری مؤثر در بهبود کیفیت زندگی، ارتقای سرمایه اجتماعی، افزایش امنیت و نشاط عمومی و در نهایت ایجاد شهری هویت‌مند و مطلوب برای زیستن است. بر این اساس پیشنهاد می‌شود شهرداری دیواندره با تدوین یک برنامه جامع و بومی‌شده، ضمن توسعه پروژه‌های زیباسازی در تمامی محلات، به اصولی مانند مشارکت‌جویی از شهروندان، استفاده از نمادها و رنگ‌های برگرفته از فرهنگ محلی، توجه به ابعاد روان‌شناختی و نیز نگهداری مستمر این پروژه‌ها توجه ویژه داشته باشد. چنین رویکردی می‌تواند ضمن ارتقای سیمای شهر، سطح رضایت‌مندی شهروندان را به‌طور پایدار افزایش داده و دیواندره را به شهری سرزنده‌تر، ایمن‌تر و دوست‌داشتنی‌تر برای ساکنان و بازدیدکنندگان تبدیل کند.

منابع

- شاهرخی فر، زینب، طهماسبی مقدم، حسین، و شماعی، علی. (۱۴۰۱). تحلیل نقش زیباسازی شهری در ارتقاء سرزندگی فضاهای شهری منطقه ۷ شهرداری تهران. پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری، ۱۰(۳)، ۸۱-۱۰۳.
- نصیری هنده خاله، اسماعیل. (۱۳۹۹). رضایتمندی شهروندان کمال شهر از عملکرد زیباسازی با رویکرد پایداری محیط شهری. پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۱۱(۴۲)، ۱۲۵-۱۳۶.
- گلپاشا، بهنام. (۱۳۹۴). تاثیر زیباسازی سیمای شهری بر رفتار شهروندان (مورد پژوهش: هنرهای خیابانی) (محدوده پژوهش: خیابان ولیعصر). کنفرانس سالانه تحقیقات در مهندسی عمران، معماری، شهرسازی و محیط زیست پایدار.
- فاطمی، شهناز. (۱۳۹۸). بررسی معیارهای کاربرد گرافیک محیطی در زیباسازی شهری با تأکید بر بیلبورد, در شهر کرمان. اولین کنفرانس بین المللی و دومین کنفرانس ملی به سوی شهرسازی، معماری، عمران و هنر دانش بنیان.